



تشکیل می دادند اما در عرض دو سال اخیر به دلیل تغییر الگوی ابتلابه ایدز، تعداد زنان به حدود ۳۵ درصد و مردان به ۶۵ درصد رسیده است. متأسفانه حقیقت تلخ دیگر طیف سنی مبتلایان است. نوجوانان و جوانان و همچنین افراد مسن روز به روز به تعداد مبتلایان اضافه می شوند. یکی از مشکلاتی که معمولاً برای این طیف پیش می آید این است که معمولاً بیماری این افراد تا مرحله پیشرفته تشخیص داده نمی شود، چون پزشکان فکر نمی کنند آنها به ایدز مبتلا شده باشند.

دکتر محرز در مورد راه های انتقال ایدز در زندان می گوید: انتقال این بیماری در زندان بسیار کم شده است. اما به طور معمول ۳ راه برای انتقال این بیماری وجود دارد. نخست از طریق سرنگ آلوده که به دلیل توزیع رایگان متادون و سرنگ به روش اسکرین تعداد مبتلایان از این طریق کاهش یافته و مورد ابتلای جدید از این راه در زندان ها بسیار کم شده است. دوم، تماس جنسی و سوم خالکوبی است. متأسفانه معمولاً یکی از زندانیان به صورت غیرقانونی و پنهانی خالکوبی می کند و به دلیل نداشتن امکان استریل کردن، این بیماری و همچنین هیپاتیت B و C را به سایرین منتقل می کند.

این فوق تخصص بیماری های عفونی درباره راه های پیشگیری از انتقال بیماری از راه تماس جنسی تأکید می کند: راه پیشگیری از تماس جنسی نیز به سه بخش تقسیم می شود. نخستین بخش خویشتنداری است که دستور دین ما است. در حالی که در دین اسلام بر خویشتنداری تأکید شده است اما آموزش و تقویت آن در مدارس خیلی مورد توجه قرار نمی گیرد. دومین مورد وفاداری است یعنی یک همسر داشتن، متأسفانه اخیراً بیمارانی مواجه هستیم که حدود ۶۰ تا ۶۵ ساله هستند و فرزندان ۲۵ ساله یا ۳۰ ساله دارند. ازدواج موقت عامل ابتلای این بیماران بوده که متأسفانه همسر اول خود را هم آلوده می کنند.

استفاده از وسایل پیشگیری در روابط جنسی نیز یکی دیگر از راه های پیشگیری است که متأسفانه به دلیل گران شدن و کمیاب شدن کمتر مورد استفاده قرار می گیرد. در خیلی از کشورها این وسایل به صورت رایگان توزیع می شود. از این رو توانسته اند موج سوم بیماری ایدز را کنترل کنند. رئیس مرکز تحقیقات ایدز تأکید می کند: تا به حال ۴ استراتژی کشوری برای پیشگیری از ایدز نوشته شده است و توسط هیأت دولت مصوب شده یعنی دستور است که همه ارگان ها باید همکاری کنند اما در عمل کسی همکاری نمی کند.

مورد بعدی این است که باید آنقدر آموزش ها قوی شود که هر فردی حتی قبل از ازدواج خودش برای تست HIV مراجعه کند. البته مثبت بودن نتیجه آزمایش به معنای مجرد ماندن نیست این بیماران حق ازدواج دارند و بسیاری از بیماران HIV مثبت ازدواج کرده اند، اما موضوع مهم این است که باید همسر فرد مبتلا قبل از ازدواج از بیماری همسرش مطلع باشد.

وی می افزاید: در همه جای دنیا تأثیر تلویزیون، جراید و فضای مجازی در آموزش و پیشگیری بی نظیر است. باید شفاف صحبت شود و باید بمباران آگاهی صورت بگیرد. باید در آموزش و پرورش برای تقویت توانمندسازی نوجوانان و جوانان تلاش شود. درست است که در دانشگاه به این بحث توجه شده اما مگر همه افراد جامعه دانشگاه می روند! پس باید از مدرسه شروع شود. در عرض سی و چند سالی که این بیماری در کشور ما دیده شده آموزش و پرورش هیچ کاری نکرده و صدا و سیما هم تنها دو سریال ساخته است.

وی به مراکز مشاوره بیماری های رفتاری اشاره می کند و می گوید: در ایران ۲۰۰ مرکز مشاوره بیماری های رفتاری وجود دارد که به صورت رایگان ارائه خدمت می دهند و با مشخص شدن بیماری درمان را بسرعت آغاز می کنند.

دکتر محرز در خاتمه خاطرنشان می کند: داروهای این بیماری کم در داخل کشور تولید می شود و هم از هند وارد می شود و می توان گفت برای تأمین آنها اصلاً جای نگرانی وجود ندارد و خوشبختانه حداقل تا یک سال آینده داروی مورد نیاز در کشور وجود دارد.

ویروس خانمانسوز را ضعیف می کند و اثر آن در بدنتم را به حد صفر می رساند. یعنی من مانند افراد سالم هستم و می توانم مانند بقیه شغل داشته باشم و با دوستانم رفت و آمد کنم اما کافی است یک نفر بفهمد که من به ایدز مبتلا هستم، چنان از من دوری می کند که انگار تا به حال مرا نمی شناخته. متأسفانه هنوز در جامعه ما این بیماری به درستی شناخته نشده است. ■ **موج سوم ایدز در کشور قابل کنترل است**

بیمار که می شوی دیگر فرقی نمی کند که متهم باشی یا قربانی. مهم نیست که تو مرتکب اشتباه شده ای یا دیگری در حقات جفا کرده. جواب آزمایش که مثبت می شود دیگر راه برگشتی نیست همه پل های پشت سرت خراب می شود انگار. اما متخصصان معتقدند که باید این تفکر تغییر کند. باید آگاهی تک تک افراد جامعه بالا برود تا بتوانیم موج سوم ایدز در کشور را کنترل کنیم.

دکتر مینو محرز رئیس مرکز تحقیقات ایدز دانشگاه علوم پزشکی تهران در گفت وگو با «ایران» می گوید: ایدز یک بیماری است که توسط ویروس نقص ایمنی HIV ایجاد می شود و می تواند تا سال ها بدون علامت باقی بماند. بی علامت بودن بیماری باعث می شود در حالی که خود فرد از بیماری اش بی خبر است این ویروس را به دیگران منتقل کند. متأسفانه گزارش نشان می دهد در حال حاضر حدود ۴۰ هزار بیمار مبتلا به ایدز در کشور وجود دارد اما آمار غیر رسمی از حقیقتی تلخ خبر می دهد و آن افزایش تعداد مبتلایان تا حدود دو تا سه برابر آماری است که امروز در دست ما قرار دارد.

این فوق تخصص بیماری های عفونی تأکید می کند: بیماری ایدز در گذشته یک بیماری کشنده محسوب می شد اما خوشبختانه امروز به مدد داروهای کشف شده به یک بیماری مزمن قابل کنترل تبدیل شده است. این داروها می توانند ویروس را از بین ببرند و امکان انتقال آن را منتفی کنند. البته این به معنای بهبودی کامل نیست و تنها کنترل بیماری است. همه جهان برای درمان قاطع این بیماری در تلاش هستند.

وی در ادامه با تأکید بر اینکه روند شیوع بیماری ایدز در کشور در حال افزایش است می گوید: افزایش میزان شیوع این بیماری از شناخت ناکافی ایدز و ناآگاهی مردم جامعه از راه های انتقال آن نشأت می گیرد. امروزه الگوی ابتلا به بیماری تغییر یافته است و دیگر خون و فرآورده های خونی عامل ابتلا به آن نیست. زمانی فاکتور ۸ که از سایر کشورها وارد می شد عامل ابتلا به این بیماری محسوب می شد که با اقدامات انجام گرفته، بسرعت کنترل شد. سوی دیگر استفاده سرنگ های چند بار مصرف در میان معتادان تزریقی نیز راه جدی انتقال این بیماری به حساب می آمد اما با توزیع سرنگ در میان معتادان تا حدود زیادی این راه انتقال بیماری نیز کنترل شد.

دکتر محرز با اشاره به موج سوم ایدز در کشور، می افزاید: موضوع نگران کننده در جامعه امروز انتقال بیماری از راه تماس جنسی حفاظت نشده است که به واسطه نبود آموزش صحیح در میان جوانان و حتی افرادی که در دهه ششم زندگی خود قرار دارند هم دیده می شود. جوانان امروز به دلیل عدم آگاهی و ناتوانی در خویشتنداری به این بیماری گرفتار می شوند. متأسفانه آموزش و پرورش در آگاهی بخشی به کودکان و نوجوانان بسیار ضعیف عمل کرده است.

رئیس مرکز تحقیقات ایدز با اشاره به راه های انتقال بیماری ایدز در سال های اخیر می گوید: تماس جنسی با فرد آلوده به نخستین راه انتقال این بیماری در میان افراد جامعه تبدیل شده است. به طوری که آمار نشان می دهد در دو سال اخیر ۹۹ درصد از بیماران از طریق تماس جنسی مبتلا شده اند. پس از آن انتقال بیماری از مادر آلوده به جنین و دست آخر استفاده از سرنگ آلوده و یا هر وسیله ای که خون آلوده را به بدن شخص منتقل کند، که عامل سوم در جامعه ما بسیار کم رنگ شده است.

وی اظهار می کند: هنگامی که راه انتقال این بیماری از طریق سرنگ آلوده بود تعداد مبتلایان مرد به مراتب بیشتر از زنان بود. به گونه ای که آمارها نشان می داد مردان ۹۶ درصد تعداد مبتلایان و زنان حدود ۴ درصد را



عکس: هلت نیوز

گزارش «ایران» از تغییر الگوی ابتلا به بیماری اچ آی وی

موج سوم ایدز قربانی می گیرد

پرسنورفیی
خبرنگار

وضعیت جسمی اش هر روز بدتر می شد. نمی دانستیم چه بلایی بر سرش آمده، دکترها هم نمی توانستند بیماریش را تشخیص دهند. اصلاً کارمان شده بود هر چند روز یکبار به بیمارستان مراجعه کنیم و بعد از مدتی بستری شدن در اورژانس و انجام انواع آزمایش ها با یک کیسه دارو به خانه باز گردیم تا چند روز دیگر که دوباره روز از نو و روزی از نو. آخرین بار اما اسهال و استفراغ شدیدی گرفت. حسایی ترسیده بودم. حس غریبی داشتم انگار دیگر خوب شدن در کار نبود. به بیمارستان رسیدیم و مثل همیشه راهی اورژانس بیمارستان شدیم. این بار اما با همیشه فرق می کرد حالش خیلی بد بود اما بدتر از آن، ویروسی بود که در میان برگه های آزمایش پیدا شد. HIV زندگی مان را زیر و رو کرد. تشخیص علت بیماری همسرم راه نجاتمان نبود بلکه مانند باتلاقی زیرپایمان را خالی کرد.

این ها را مینا می گوید، زنی که قربانی بیماری همسرش شده، آهی می کشد و ادامه می دهد: پزشکان گفتند که باید آزمایش بدهیم هم خودم و هم پسرانم. فقط خدا می داند چه بر ما گذشت. از همان لحظه ای که نمونه گیری برای آزمایش انجام شد ترسی پرابهام وجودم را فرا گرفت و مدام از خودم می پرسیدم، اگر مبتلا باشم چه؟ اگر فرزندانم هم مبتلا شده باشند چه باید بکنم؟ انگار ساعت ها نمی گذشت و روزها کش می آمد تا اینکه نتیجه آزمایش مشخص شد. نفس هایش به شماره می افتد. بغض که راه گلویش را تنگ می کند حال چشمانش بارانی می شود. اما با لیخندی تلخ خودش را جمع و جور می کند. به چشمانش اجازه باریدن نمی دهد صدایش را صاف می کند و ادامه می دهد: آلوده نشده بودیم هم من و هم پسر دومم. همسرم را از کار در سازمانی دولتی و پروازره اخراج کردند، پسرم را هم از مدرسه. نمی دانستم چه باید بکنم همه طردمان کرده بودند زندگی مان از حرکت ایستاده بود. مدام از خودم می پرسیدم چرا من؟ چرا پسرم؟ این فغلی باید تاوان چه گناهی را پس بدهد؟ همسرم را سرزنش می کردم، هر روز و هرروز. دیگر دلم برایش نمی سوخت. حدود شش ماهی از این ماجرا گذشت تا توانستم خودم را جمع و جور کنم. دیگر همسرم را سرزنش نمی کردم و در تلاش بودم تا راهی برای ادامه زندگی بیابم. ما زنده بودیم و باید زندگی می کردیم. تازه به شرایط عادت کرده بودم که همسرم بر اثر بیماری جانش را از دست داد. من مانده بودم و زندگی و از همه مهمتر آینده فرزندانم. اما بار دیگر زندگی روی بدش را به من نشان داد. خانواده همسرم از من شکایت کردند تا فرزند سالمم را از من جدا کنند.

بچه ها را خالکوبی می کرد، من هم وسوسه شدم و خواستم به عشق مادرم این جمله را روی دستم خالکوبی کند. رفیق بی کلک مادر، اما سوزن آلوده، آتشی بود زیر خاکستر که جوانی و زندگیم را نابود کرد. چند سالی در زندان بودم بی خبر از آلوده شدن، وقتی آزاد شدم هم تا یکی دو سال خوب بودم اما کم کم بیماری خودش را نشان داد. در ابتدا مریض را تشخیص نمی دادند. اما یک روز یکی از دکترها با دیدن خالکوبی روی دستانم به ایدز مشکوک شد و خواست آزمایش های لازم را انجام دهم. همین که مشخص شد چه دردی گرفته ام، دوستان و آشنایانم فراری شدند. فقط مادرم کنارم ماند. البته تاوانش را هم داد، پدرم طلاقش داد و خواهر و برادرانم در خانه شان را بر روی او بستند. خواستم خودم را کم و گور کنم تا شاید مادر پیرم آخر عمری درست زندگی کند، یک بار هم تصمیم گرفتم خودکشی کنم اما مادرم و التماس مرا منصرف کرد، او می گفت داعی سخت تر از مرگ اولاد نیست. امروز هم به خاطر او آمده ام برای خدمات مشاوره ای ارائه می دهد مشغول به کار شده ام.

از پسرش می پرسم همانی که قربانی بیماری و ناآگاهی پدر شده است، اما مینا دیگر نمی خندد، هنوز نتوانسته پسرش را به زندگی طبیعی بازگرداند. رفتار ناشایست مدیران مدرسه آتشی به جان پسرک انداخت که او برای همیشه تحصیل را کنار گذاشت. انگیزه های هم برای زندگی ندارد چرا که آینده، اشتغال و ازدواج خود را پرابهام می بیند.

■ **هیچ کس به ملاقاتم نمی آمد**
بیژن اما مردی است که روی پله ها نشسته و چرت می زند. دست راستش خیلی حرفه ای خالکوبی شده از میچ تا بالای آرنج. اما روی دست چپش جمله معروف رفیق بی کلک مادر کاملاً ناشیانه خالکوبی شده. با صدای بلند سلام کردم. چرتش پاره شد چند دقیقه ای طول کشید که به خودش بیاید. از بیماری اش پرسیدم و دلیل بیمار شدنش. دستش را مقابلم گرفت. زندانی که شدم همه طردم کردند. زنم، پدرم، برادرانم و حتی خواهرم همه رهایم کردند. هیچ کس به ملاقاتم نمی آمد جز مادرم، عاشقش بودم و در زندان بیشتر از قبل دوستش داشتم. یک شب که داوود پنجه طلا دور از چشم نگهبانان بدن



دکتر مینو محرز: تماس جنسی با فرد آلوده به نخستین راه انتقال این بیماری در میان افراد جامعه تبدیل شده است. به طوری که آمار نشان می دهد در دو سال اخیر ۹۹ درصد از بیماران از طریق تماس جنسی مبتلا شده اند. پس از آن انتقال بیماری از مادر آلوده به جنین و دست آخر استفاده از سرنگ آلوده و یا هر وسیله ای که خون آلوده را به بدن شخص منتقل کند، که عامل سوم در جامعه ما بسیار کم رنگ شده است.

هنگامی که راه انتقال این بیماری از طریق سرنگ آلوده بود تعداد مبتلایان مرد به مراتب بیشتر از زنان بود. به گونه ای که آمارها نشان می داد مردان ۹۶ درصد تعداد مبتلایان و زنان حدود ۴ درصد را تشکیل می دادند اما در عرض دو سال اخیر به دلیل تغییر الگوی ابتلابه ایدز، تعداد زنان به حدود ۳۵ درصد و مردان به ۶۵ درصد رسیده است

یغما برده و آینده اش را به ابهام کشیده است. یگانه می گوید: فکر می کردم ایدز مخصوص معتادان تزریقی است. همین که یکی از این افراد در میان اطرافیان نباشد کافی است تا خودت را از آلوده شدن بیمه کنی. البته شنیده بودم که این بیماری از طریق لوازم دندانپزشکی یا تیغ آرایشگاه ها هم منتقل می شود به همین خاطر سعی می کردم برای انجام این امور به جاهای تأیید شده و بالای شهری بروم. غافل از این که...

از تصمیمش برای دوری از حرف ها و افکار منفی می گوید و ادامه می دهد: داروهایی که مصرف می کنم این

احتمال انتقال آن به اطرافیان به صفر رسیده است.

او در حالی که دلیل بیماری اش را ضدعفونی نبودن وسایل دندانپزشکی عنوان می کند ادامه می دهد: بسیار خوشحالم که همسرم آلوده نشده است و می توانم مانند یک انسان طبیعی زندگی کنم.

■ **فکر می کردم ایدز مخصوص معتادان تزریقی است**

یگانه دختری است ۲۶ ساله. ۲۶ بهار از زندگیش گذشته اما بی شباهت به زنان میانسال نیست. خودش ویروسی را متهم می کند که به واسطه اشتباه جوانی و ناآگاهی، سلامتی اش را به